

# مردم

راگان مرکزی حزب توده ایران

سیاست تسلیحاتی شاه که ایران را بیکی از مراکز تشنج در قالب آسیا تبدیل نموده است، نه تنها در خود ایران و کشورهای همسایه وهم منطقه، بلکه همچنین در کشورهای صاحبسوست سراسر جهان نگرانی شدیدی برانگیخته است. برای همین پرسش منطقی مطرح است که حکومت شاه که هنوز نمیتواند مردم پایتختش بوقوع آب و برق و نان برساند، اینهمه افکار آدمکشی را برای چه انبار میکند.

## «امنیت فیزیکی» چاههای نفت خاور میانه و «اولویت های استراتژیک» امریکا در این منطقه

تهدید امپریالیسم امریکا نسبت به کشورهای نفت خیز خاور میانه، اصولاً کلیه کشورهای عضو «اوبک» و دلایل استراتژیک بسیار دارد. نفت برای امریکا در گذشته از نظر تامین تسلط کارتل جهانی (هفت شرکت خواهر) بر ذخایر و بازار نفت در کشورهای سرمایه خاری و کسب در آمد های عظیم اهمیت حیاتی داشته است. از دیدگاه انحصارات عمده نفت این وضع برای آینده نیز باید حفظ شود. کارتل جهانی نفت هم اکنون ۸۰ درصد بازار گانی نفت را در انحصار دارد. در آمد انحصارات نفتی امریکا در سال ۱۹۷۳ ۲۳ میلیارد دلار بود. طبق پیش بینی محاسبات نفتی امریکا این درآمد در سال ۱۹۸۵ باید به مبلغ ۱۵۰ میلیارد دلار بالغ گردد.

برآورد چنین افزایشی در درآمد نفت زمانی صورت می گیرد که ذخایر نفتی خود امریکا روبه پایان است. ایالات متحده پیش از پیش به واردات نفت از خارج احتیاج پیدا میکند. هم اکنون امریکا نزدیک نیمی از نفت مصرفی خود را از خارج وارد میکند. طبق اظهار کارتر این بدان معنی است که امریکا برای واردات نفتی خود، بنا احتساب قیمتهای کنونی نفت، سالیانه باید ۵۰ میلیارد دلار پرداخت نماید. در این شرایط تسلط بر منابع نفت در جهان سرمایه داری، بویژه خاورمیانه که هفتاد درصد این ذخایر را در خود جمع دارد، برای امپریالیسم امریکا اهمیت استراتژیک اقتصادی کسب مینماید.

دنباله در صفحه ۲

جنرال شانزنگر، وزیر انرژی ایالات متحده بیان کسی سخن گفت، که مالکیت چاههای نفت در منطقه را برای امریکا امری مسلم میسرود. لا وزیر دفاع بوده در خطاب به نظامیانی، که ارتش امریکا در واشنگتن گرد آمده بودند، گفت: «ممکن است روزی امریکا در برابر این قرار گیرد، که امنیت فیزیکی، منابعی را باور میانه نفت امریکا را تامین میکند»

ملل کشورهای خاور میانه قبلاً تهدید دولت در مورد منابع نفتی خود طی اظهارات آشکارتری زمامداران ایالات متحده شنیده بودند. اکنون دیدیم، منتهی بنام تامین «امنیت فیزیکی» نازیگر شنیده میشود. امپریالیستهای امریکا ت زمان تغییر تناسب نیروها بسود سوسیالیسم ضد امپریالیستی ملل، تزلزل بیشتر مواضع م و کارتل جهانی نفت و پایان دوران دیپلماسی لوله توبه، هیچ نیاموخته اند. آنها همچنان گذشته را می بینند. شانزنگر و میتوان کارتر، رئیس جمهور امریکا (که همین چند دفاع و از خلیج فارس و ایران را جزء های استراتژیک، امریکا اعلام و پیشنهاد آمادگی برای اشغال این مناطق را امضا نمود) رویایی بر سر میزند. در غیر این صورت آنان مجدداً دخالت مسلحانه در کشورهای نفت خیز، یعنی که اجرای چنین تهدیدی دیگر پشوتوانه نمی پردازند.

## لرح قانون بیمه بیکاری باید بسود کارگران اصلاح شود

وزنامه اطلاعات در شماره بیست و ششم همراه طرح قانون بیمه بیکاری را انتشار داد. مسئله بیکاری چند سالی است که در کشور ما مطرح می در قلمروهای کمیسیون های «کنفرانس های ملی کار» شده است. بیمه بیکاری پیوسته خواست ن بوده و برای تحقق آن مبارزه کرده اند. زیرا ن آگاه بخوبی میدانند که هر چند بیمه بانشین حق مسلم آنها بکار نمیشود و حق کار ابتدائی ترین حقوق آنهاست، ولی از آنجا ن بیمه بیکاری مولود نظام سرمایه داری و همزاد و نیست از اینجهت کارگران تدوین قانون بیمه پیوسته یکی از مطالبات خود قرار داده اند. ن که آماده تسلیم به مجلس شده است، نه ست کارگران را بر آورده نمیکند بلکه به ان امکان میدهد که با سوء استفاده از این کارگران را آسانتر و با شرایط سهل تر از کار کنند. ماده ۳۳ قانون کنونی کار که ناظر بر شرایط کارگران از کار است، پیوسته چون خاری در رفرمایان میخالد، زیرا این ماده از قانون ش حق مبداء طرف ۱۵ روز به کمیسیون حل شکایت کند و کمیسیون مزبور کار فرما را به پرداخت غرامت اخراج و یا باز گرداندن بکار و پرداخت مزد ایام بلا تکلیفی اومیکرد. ت کار فرمایان پیوسته سعی در اجبار دولت بالفاه داشتند. در جلسات «کمیسیون شاهنشاهی» هم قانون کار بعنوان يك عدل منفی در کاهش ضایعات قانون قرار گرفت. در پنجمین جلسه «کمیسیون

دنباله در صفحه ۲

## سیاست تسلیحاتی شاه در خدمت امپریالیسم امریکا

آرزو هم میکرد باز همسایه ای بهتر از شوروی نمی یافت. مسلم است که اتحاد شوروی نه تنها استقلال ایران را تهدید نکرد و نمیکند بلکه وجود آن کشور نیرومند سوسیالیستی در همسایگی ایران ضامن بقای دولت ایران بمنزله يك دولت مستقل بوده و هست. سایر کشورهای همسایه ایران نیز هیچ يك استقلال ایران را تهدید نمیکند. اما خطر تجاوز خارجی همیشه ایران را تهدید کرده و میکند. در دوران پس از جنگ دوم جهانی امپریالیستها بارها استقلال ایران را تهدید کرده اند و تاکنون هم برای منافع نفتی خود خط و نشان می کشند. در حال حاضر مداخلات امپریالیستی ایالات متحده در خلیج فارس، بیپناهانه حفظ منابع نفت خیز این منطقه تهدیدی علیه استقلال سیاسی و اقتصادی ایران است. مقامات دولتی امریکا رسماً اعلام نموده اند که برای این مداخله تدارک نظامی می بینند. تهدید دولت امریکا که اگر منافع ایالات متحده و هم پیمانان غربیش ایجاب کند، مناطق نفتخیز خلیج فارس را اشغال خواهد نمود، تجاوز با استقلال سیاسی و اقتصادی ایران

دنباله در صفحه ۲

## دنبال مشکل برق، مشکل آب!

در اواخر مهر ماه بیش از دو سوم شهر تهران چند روز بی آب ماند. سازمان آب تهران اعلامیه ای پخش نمود که در آن گفته میشد: «برابر بارندگی شدید و مطلوب که متوجه جریان سیل در آبریز رود خانه کرج شده است آب رودخانه کرج بکلی گل آلود گردیده و در نتیجه امکان تصفیه آب در تصفیه خانه های کن و جلایه بمقدار مورد نیاز مقدر شده». یعنی گناه بی آب ماندن تهران بگردن باران است و این عذری است که فقط در شرایط تیزور و هفتقان میتوان عنوان کرد و بخورد مردم داد. بمناسبت قطع آب روزنامه های تهران چند عکس و مقداری نوشته گزارشگران خود را منتشر کردند. همه چیز را نوشتند، ولی اصل مطلب تا گفته ماند. نوشتند که بعلت قطع آب کار کباب پزها، نانواها و قهوهچی ها مختل گردیده، مردم سر و صورت نشسته و مردان ریش نتراشیده سرکار رفتند؛ در خانه ها ظرفها ناشسته ماند، فلاجا شوفاژ سوخت و فلاج جلی دیگر آرایشگاه تعطیل گردید. روزنامه «اطلاعات» مجبور شد بنویسد: «تهران بی دفاع در برابر آب و آتش و باد و گرما و سرما وزلزله و وبا و شبه وبا و ترافیک و هر مسئله ارضی و سماوی دیگر این بار دارد خود را در برابر درد بی آبی می آزماید». «کیهان» اضافه کرد که مأموران راهنمایی برای رفع اختلالات ناشی از باران و قطع آب زیاد کوشیدند. «با با اشاره و فرمان و بهر سوئی دیدن نمیشد برای تهران کار دفاعی درست کرد. این بود که همه کوششها بهر رفت».

اعتراضات مذکور که زیر فشار افکار عمومی بیان گردیده گرچه در حدود خود جالب است، ولی جز تصویر يك جانیو بی چانی از گوشه ای از فروع واقعات منظور دور ساختن نظر مردم از اصل واقعات چیز دیگری نیست. زیرا گناه واقعه نه بگردن طبیعت بیگناه است که در همه جانی دنیا یکسان و طبق قوانین خود عمل میکند و نه بگردن باران است که از قدیم الایام بعنوان منبع فیض ویر کت شهرت دارد، بلکه بگردن نظام اجتماعی است که نه تنها تهران بلکه سرتاسر ایران را بقول «اطلاعات» در برابر «هر مسئله ارضی و سماوی» بی دفاع گذاشته است. مگر باران تنها در تهران میبارد و سیل فقط در ایران جاری میشود؟

در تهران که یادداشت کشور است و قاعدتاً حکومت باید در تنظیم وضع آن کوشا باشد، برق آب، ترافیک، خواربار، منزل و کلیه و سائل زندگی روزمره مردم در بنظرین و نا مطمئن ترین حالت قرار دارد و علیرغم قول و قسم های رژیم سال بسال بدتر

دنباله در صفحه ۲

## نامه شاد باش رفقای هیئت تحریریه «نوید» از تهران بمناسبت ۳۶مین سالگرد حزب توده ایران در خطاب به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی، با گرم ترین درود ها...

مشغلی دیگر در کنار سی و پنج شعله گلگون و جاویدان افروخته شد. حزب توده ایران در سی و ششمین سالگرد تولد خود، امید های بیشتر و بلر های حاصلخیزتری در مشت دارد. بهار های بی تردید آینده از این بذر ها و پیروزیهای پرازنج ورم خلق های ایران در این امیدها خواهند روئید. این ایمان ماست. در این شرایطی سالروز تولد حزب توده ای خود را جشن می گیریم که جنبش خلقی و مبارزات طبقاتی در ایران خیز و تلاطم تازه ای یافته است. توفان بند از پای خود می کشاید. رژیم سر نیزه و اسون و اختناق به شدت وسرعت متزوی می شود. راهها از بیراهه، کمر از ایمان، انقلاب از آثار شسیم، مارکسیسم از ابتدالات خرده بورژوازی و مبارزه از ماجراجویی و سفسطه گری وشعبده بازیها شناخته می شود. و آن کس که در مرکز این عذاب وحاشه ایستاده است و با صدای توانا و حقیقت و آرمان خود ظلمت و دروغ را لنگدال میکند و راه میگشاید و از دهان مردم ترانه و سرود میخواند و با هزاران دست می رزد و با هزاران تن زخم برمیخورد و باز با هزاران گام به پیش میتازد، حزب توده ای ماست. صدای او گلبنانگ ارانی است.

چراغ او نبوغ مارکس، چشمهای او رهنمود های تایتاک لنین کبیر، اراده او پرولتاریای آفرینشگر و نیروی او خلق اند. و او بمدد این معجزات زمینی و بشری، همواره پایه گذار و ادامه دهنده اصیل ترین سنت های انقلابی و مردمی بوده است. از ضعف های گونا و شکستها و ناکامیهای آبی بگذریم. اصل روند هاست. حزب توده ایران در روند موجودیت خود، در کل هستی خویش همواره حزب پرولتاریای رژیمموی ایران و ممکن ترین حرکت متعالی بوده است. ما در دامان او آیه های حیات بخش مارکسیسم دوران ساز را آموختیم، در پشت سراواژ پرترگهای مانوئیسیم دخلکار و نقابدار گمشدیم و دست در دست او از جدایی انواع نظرات خرده بورژوازی و ماجراجویانه معیوم ماندیم و به جذبها و رنگ هاوانگهی رمانتیسیم آناشسیتی پوزخند زدیم. نسل نو مبارز با اقبال روزافزون و پرحرارت و گاه حتی شایکار خود از تنه احزاب مارکسیستی - لنینیستی ایران، اینک تپیل و عرق خشکی را از پیشانی بلند پهلوان خود پاک میکند. خون شهدای حزب به شکوفه نشسته و جنگلی از صنعتی سرسبز و جوان بسوی شما دراز شده است. مشت میبویونی حزب توده ای ما با این شاخه ها و انگشتهای پر نیرو شکل میگیرد. این آن پیک عظیم و ویرانگر و سازنده ای است که تاریخ آن را وثیقه قاطع رستگاری اعلام کرده است.

با ایمان به پیروزی نهائی هیئت تحریریه «نوید» ۱۹۷۷/۱/۵

سیاست تسلیحاتی شاه در خدمت امپریالیسم امریکا

است. امپریالیستهای امریکائی تهدید میکنند که وقت باید باتان با قیمت دلخواهشان داده شود و گرنه بزود خواهند برد. صرفنظر از آنکه در وضع امروزی جهان این تهدیدات دارای چه ارزشی است، ولی بهرجهت تهدیدی است که علنا میشود.

آیا سیاست تسلیحاتی ایران متوجه رفع این خطر است؟ آیا امریکائیان بایران سلاح میدهند که آنرا برضد مداخله نظامی احتمالی آنان بکار برد و از استقلال اقتصادی و سیاسی خود دفاع کند؟

پاسخ روشن است. اگر امپریالیستهای امریکائی و متحدان غربی آنان کوچکترین احتمالی بدهند که شاه قصد دارد در برابر مداخله آنها ایستادگی کند حتی یک فشتنگ هم باو نمیدهند، چه رسد به هواپیماهای اف-۱۶ و رادار هوابرد آواکس و غیره. امپریالیستهای امریکائی مطمئنند که شاه از سلاح هائیکه میخرد هرگز نمجوهد و اگر بخواهد هم نمیتواند برضد آنان استفاده کند.

بگزارش کمیته روابط خارجی سنای امریکا در این باره توجه کنید: «حکومت ایران میخواهد در کشوری که زیر سازفتی، آموزش و صنعتی لازم را برای پرورش کارهای متخصص ندارد، تأسیسات و تجهیزات برای وجود دیپلوم، ایران فاقد اطلاعات و تجربه لویستیک و عملیات پشتیبانی و همچنین شبکه وسیع راههای آهن است. امکان اجرای برنامههای تازه در این موارد نیز بدون کمک خارجی ممکن نیست.

اغلب نظرات آن آگاه معتقدند که ایران نمیتواند بخش بزرگی از سیستمهای پرتیج نظامی را که از امریکا خریداری میکند بدون افزایش محسوس افراد کارشناسان امریکائی در محل، تأهسال پس از خرید آن سیستمها مورد استفاده قرار دهد.»

در همان گزارش گفته میشود که شماره اتباع امریکائی که در ایران کار میبرند و قسمت اعظم آنان کارشناسان نظامی هستند، در سال گذشته ۲۴ هزار نفر بوده و این رقم میتواند تا سال ۱۹۸۰ باسانی به ۵۰ هزار یا ۶۰ هزار نفر یا بیشتر برسد.

قسمت حساس این گزارش توجه کنید: ارتش ایران بدون افزایش محسوس افراد و کارشناسان امریکائی در محل تا دهسال پس از خرید جنگ افزارهای مدرن نمیتواند مستقلا از آنها استفاده کند. یعنی سلاح های امریکائی تنها در صورتی میتوانند بکار برده شوند که آنها را خود امریکائیان اداره نمایند، یا بعبارت دیگر سلاحهای امریکائی فقط در دست تأمین منابع امریکایی میمانند مورد استفاده قرار گیرند. و چون منابع امریکایی در امریکا در جمع جهات و از همه مهمتر مسائل اقتصادی و بخصوص نفت با منافع ملی ایران تضاد آشتی ناپذیر دارد. نتیجه منطقی که بدست میآید آنست که سلاحهای امریکائی تنها میتوانند برخلاف مناطق ملی ما بکار برده شوند. واضحتست که امریکائیان اگر بیسیاست مین فروشانه شاه اطمینان نداشتند هرگز بدونت ایران سلاح نمیدادند. البته شاه پول هنگفتی بشر کتهای اسلحه فروشی میبرد (ده میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار طی سالهای ۱۹۷۲-۱۹۷۶) و این باجی است که او با امپریالیسم امریکا برای پشتیبانی از رژیم منحوسش میدهد. اما پول تنها و حتی مهمترین عاملی نیست که دولت امریکا را بفرورختن سلاح بایران برمی انگیزد. جوانب سیاسی مسئله به مراتب مهمتر است و چنانکه در گزارش کمیسیون روابط خارجی سنای امریکا گفته میشود فروش سلاح بایران «بخش مهم» روابط سیاسی ایالات متحده و ایران را تشکیل میدهد، روابطی که هرگز برابر نبوده و از ابتداء تا کنون همیشه جنبه حاکم و محکومی داشته است.

غارت پول مردم ایران بوسیله انحصارات امپریالیستی امریکا کمترین بلای سیاست تسلیحاتی رژیم شاهست. شاه برای خرید اسلحه از امریکا استقلال سیاسی و اقتصادی ایران را بگرو میگذارد، کشور ما را به سیاست های ماجراجویانه امپریالیسم امریکا وابسته میکند، قدرت اتخاذ تصمیمهای مستقل سیاسی و اقتصادی را در عرصه بین المللی از ایران سلب می نماید.

پیچ و خمهایی که در مسئله فروش سیستم آواکس و هواپیماهای اف-۱۶ پیش آمد، باید از همین دیدگاه مورد مطالعه قرار گیرد. چنانکه خبر گزارهای خارجی اطلاع میدهند، طرفداران فروش اسلحه بایران که نمایندگان انحصارات اسلحه سازی در کنگره،

طرح قانون بیمه بیکاری

کمک محروم میشود. برای مقایسه باید افزود که در قانون کار کنونی تا ۳۱ ماه پرداخت خسارت بکارگر اخراجی پیش بینی شده بدون اینکه اینهمه شرایط محدود کننده در نظر گرفته شده باشد.

منبع درآمد صندوق بیمه بیکاری ۵ درصد مزد و مزایای نقدی مستمر کارگران است که ۴ درصد آنرا کارفرما و یک درصد کارگران خواهند پرداخت. علاوه بر کسورات بیمه های اجتماعی، صندوق کارآموزی، مالیات و غیره این قلم تازه است که از دستمزد ناچیز، کارگران بیک صندوق دولتی واریز میشود.

روشن است که کارفرمایان هر آنچه را که بعنوان بیمه بیکاری و صندوق کارآموزی و بیمه های اجتماعی و غیره بولت میپردازند (اگر طبق معمول قلب نکنند) نوعی بحساب کارگران و یا مصرف کننده، که باز بطور عمده خود زحمتکشان هستند، میرویند، نتیجه اینکه این پولهای که در صندوق های دولتی رویهم انباشته و قسمتی از آن مورد سوء استفاده مقامات مختلف قرار میگیرد، حاصل دسترنج خود کارگران است.

از اینها گذشته قانون بیمه بیکاری، مانند تمام توانین با مصطلح انقلابی شاه برای کارگران، تنها بخش کوچکی از آنانرا دربر میگیرد و اکثریت نزدیک باففاق کارگران مشمول آن نمیشوند. بعبارت دیگر این خطر جلی وجود دارد که کارگران هم ماده ۲۳ قانون کار را از دست بدهند و هم خارج از حیطه قانون بیمه بیکاری باقی بمانند. بیان ترتیب از یکسو سرمایه داران بزرگ بهدف اصلی خود، که باز شدن مشتشان در اخراج کارگران است، میروند و از سوی دیگر رژیم دکان تازه ای برای تبلیغات عوامفریبانه داخلی و خارجی باز میکنند.

اما اشتباه است اگر تصور شود که طبقه کارگر چند میلیونی ایران را دیگر نمیتوان با این مانور ها فریب داد و یا موانعی جدی بر سر راه گسترش مبارزه اش ایجاد کرد. خود این واقعیت که با مصطلح سیاست کارگری رژیم بر اثر مبارزات صنعتی زحمتکشان بطور مداوم تغییر میکند و انبوه آئین نامه ها و قوانین و مقررات تازه بنزله ای علیه کارگران و یا با بی اعتنائی بقوق آنان وضع میشود، نشانه آنست که در برابر بیداری و مبارزه روزافزون طبقه کارگر رژیم شاه در واقع متعاضل شده است. طرح قانون بیمه بیکاری که آماده تسلیم به مجلس شده است، باید به شور و وسع کارگران گذرانده شود و به سود طبقه کارگر بالنده ایران اصلاح گردد.

وزارت امور خارجه و وزارت دفاع امریکا هستند، وفاداری سیاسی رژیم شاه با امپریالیسم امریکا را برهان خویش در لزوم انجام این معامله قرارداددهاند. اما نمایندگانت انحصارات نفتی خواستار تهدد قاطع تر حکومت ایران در ثبات نگه داشتن قیمت نفت بوده اند.

ن. روکنار معاون سابق رئیس جمهور امریکا در سفر اخیر خود بایران پرده را اندکی کنار زده گفت. تصمیم اخیر حکومت امریکا در مورد فروش سیستم آواکس بایران بلن دلیل اتخاذ گردید که ایالات متحده پیش از ایران در این امر ذینفع است.

سیاست تسلیحاتی شاه جزء و تاپی از سیاست امپریالیستی امریکا در خاور نزدیک و میانه و منطقه خلیج فارس است. اجرای این سیاست ارتش ایران را بچیزی مانند ارتش ویتنام جنوبی تبدیل خواهد نمود که بدلیل وابستگی های فنی اش بکارشناسان نظامی امریکائی تنها در یک سمت میتواند عمل کند و آن سمت منافع امپریالیسم امریکا است، که با اعتراض روکنار نخواهد ایران را به ژاندارم مسلط بوخلیج فارس مبدل سازد.

بدینیهی است که سیاست تسلیحاتی ایران با واکنش همسایگانش روبرو خواهد شد و بر مسائله تسلیحاتی در منطقه خلیج فارس دامن خواهد زد. کانون تشنج تازه ای در این بخش حساس جهان بوجود خواهد آورد که با در نظر گرفتن سیاست ما ماجراجویانه خود در پیروی از نیت امپریالیسم که نمونه های آن مداخله در امور عمان، عراق و تهدید مداخله در پاکستان است، میتواند برای کشور ما عواقب ناگواری داشته باشد.

ح. مهرآبانی

امنیت فیزیکی، چاههای نفت خاورمیانه

تسلط بر منابع نفت در نیمکره شرقی و امریکائی لاتین از پایه های اساسی برتری نظامی امریکا در جهان سرمایه داری است. امپریالیسم امریکا همچنان به تهدید صلح جهانی ادامه میدهد و از توسعه و تقویت نیروهای نظامی بازمی ایستد. این امر مستلزم افزایش مصرف نفت برای مقاصد نظامی در دوران صلح و ذخیره سازی نفت جنگ است. عقیده محافل جنگ طلب امریکا اینست که در شرایط کاهش روز افزون منابع داخلی، تسلط بر منابع نفتی خارج برای امریکا و متحدین جنگی آن اهمیت به مراتب بیشتری کسب میکند.

تهدید مداوم امریکا در مورد کشورهای نفت خیز در حال رشد، بریک چنین میانی استراتژیک متکی است. تاروزیکه امپریالیسم امریکا و متحدین غربی آن به عوامل و چشم پوشی از مقاصد غارتگرانه و تجاوز کارانه خود وادار نشوند، تهدید آنها نسبت به ادامه غارت و تجاوز به کشورهای نفت خیز ادامه خواهد داشت.

لیکن نباید بنگاشت که تهدید امپریالیسم امریکا تنها مبتنی بر تأمین هدفهای استراتژیک دراز مدت اقتصادی سیاسی و نظامی است. این تهدید ها هم چنین نیل به هدفهای تاکتیکی کوتاه مدت، منطقه ای و موضعی را دنبال میکند. بویژه تهدید اخیر کارتر و شلوینگر، گذشته از ارتباط با مباحث انرژی در خود امریکا، با اجلاسیه قریب الوقوع «اوبک» و اتخاذ تصمیم در باره مسائلی که در دستور کار آنست ارتباط مستقیم دارد.

اوبک اجلاسیه نوپتی خود را در ماه آینده در کاراکاس برگزار خواهد کرد. مسائل مهمی، منجمله ضرورت افزایش قیمت نفت، تعیین «حق برداشت مخصوص» بجای دلار، اتخاذ تصمیم پیرامون توصیه های سمینار اخیر اوبک در «وین» در دستور اجلاسیه نوپتی است.

آن دسته از اعضاء «اوبک»، که سیاست مستغلی را در نفت تعقیب میکنند و حفظ منافع ملی کشورهای خود را بر تأمین مقاصد دول و انحصارات امپریالیستی مقدم میدارند، از هم اکنون ضرورت افزایش قیمتهای نفت برای سال ۱۹۷۸ حداقل ۱۵ درصد و بیشتر را پیشنهاد می کنند. کاهش ارزش دلار و نوسانات بی در پی آن بزرگان منافع کشورهای نفت خیز است. این امر به اعضاء اوبک می آموزد که باید دلار از معاملات نفتی طرد و واحد پولی ثابتی بجای آن برگزیده شود. بالاخره سفند اخیر اوبک در «وین» به اعضاء این سازمان هشدار میدهد که هر چه زودتر، برای ایجاد صنایع پالایش نفت، پتروشیمی و ناورگان نفت کس اقدام کنند، تکنولوژی ملی و سپردن اداره صنایع نفت به کادر های ملی راجانشین وضع ناسلمان کنونی نمایند و مستقلا وارد بازار جهانی نفت شوند.

با یک نظر دیده میشود اجلاسیه آخر ماه «اوبک» بررسی و اتخاذ تصمیم پیرامون مسائل مهمی را در دستور دارد. «اوبک» توانائی آن را دارد که در حل این مسائل متغای ملی را مقدم کرده و تصمیمات قاطعی را بسود کشورهای نفت خیز به اجرا بگذارد. آنچه امپریالیسم امریکو انحصارات غارتگرتر را نگران میکند همین توانائی است. کارتر و شلوینگر با تهدیدات خود سعی میکنند مواضع «قوی» امپریالیسم را بر رخ کشورهای نفت خیز بکشند و اعضاء «اوبک» را از اتخاذ تصمیمات ضروری بازدارند. در پس پرده تهدید تأمین «امنیت فیزیکی» چاههای نفت خاور میانه و امضا سند «اولویت های استراتژیک» امریکا در این منطقه نبل به این هدفها نهفته است.

آیا کشورهای نفتخیز عضو «اوبک» تسلیم شانتاژ امپریالیسم خواهند شد؟ تجربه «اوبک» در گذشته نشان داده است که این سازمان، غیرمغیر تهدیدات آشکار امپریالیسم و از راه خفتی ساختن کارشناسی سران رژیمهای مرتجع در داخل خود، توانسته است تصمیمات جلی اتخاذ نماید و این تصمیمات را بسود منافع همه کشورهای نفت خیز و در حال رشد به اجرا بگذارد.

رژیم ایران در دوران اخیر با اتخاذ سیاست های سازشکارانه نقش ناسلمندتری در اوبک ایفا میکند. مردم ایران به این وضع معتزند و میخواهند روش ایران در چارچوب اصلاحات انقلابی متغلی با تحریکات امپریالیستی، دفاع از حقوق حقه مردم ما در استفاده از منابع ثروت خود و استفاده از شرایط مساعدی باشد که در جهان امروز برای نیل بهدف ملی وجود دارد.

م. جهان

قابل توجه دوستانیکه اشعاری برای ما ارسال میدارند!

تعداد قابل توجهی از رفقای حزبی و د حزب از ایران، از کشورهای مختلف خارج اشعاری بسبک کهن یا نو با مضامین اجتماعی با کیفیت شعری گوناگون به قصد درج در حزب و گاه با خواهش اظهار نظر در باره آن میدارند. متأسفانه حجم بسیار محدود مطبوعات نمیدهد که این اشعار مورد استفاده قرار گیر مسائل مبارزات روزانه و تحلیل وقایع جاری مطبوعات حزبی تقدم میابد. اظهار نظر در هر کار ساده ای نیست و بصرف وقت زیاد بر انتقادی اشعار و ارسال آنها برای سرانندگان نیز با احتیاط بدینیهی است هرگاه فرصتی دست ده تحریریه مردم، و دنیاه از درج اشعار مناسب، نخواهد ورزید.

رنبال مشکل برق، مشکل آب!

میشود. راهچاره همه این دردها و یا بقول نما. دولت «تنگناها» مثل آفتاب عیان است. بجا روش است که وابسته نمودن آب شهر تهران، عمده بیک منبع و آنگاه بدفعاغ گذاشتن آن، منبع در برابر خطر سیل و دیگر مخاطرات کاربرد از اساسی غلط است. همچنین روشن است که شبکه فاضلاب داشته باشد یاران هرقلر شدید، سیل بوجود نخواهد آمد. همچنانکه در شهرهای دنیای امروزهها و گاهی صدسال است که باسناد مجرای فاضلاب دیگر از سبیلهای مخرب خبری تر در ایران هم تنها با پیش از یک میلیارد که برای ساختمان پایگاه نظامی چاه بهار خر. و میشود (پایگاهی که فقط بمنافع امپریالیسم کارتل بین المللی نفت خدمت میکند و هیچ با منافع ملی مردم ایران ندارد) میتوان خطر از رود خانه کرج و تصفیه خانه های آب تهران کرد و چندین منبع جدید آب احداث نمود. و سبیلی که هر سال به تریب ۳۰ هزار نفر مس کارشناسی نظامی نواستمراری امریکائی پرداخت (طبق احتراز شاه تقری سالی ۱۵۰ هزار دلار و سالانه ۵۰۰ میلیارد دلار) میتوان برای سران تهران مجرای فاضلاب ساخت. ولی در ایران امروز در نظر زمامداران مسئله تأمین و تنظیم ز مردم مطرح نیست.

شاه هر بار که در مصاحبه هایش با شتر در باره «تنگناها» رویرو میشود میگورید اینها «بیمرضگی» ادارات و مأمورانست. ولی بد است که در رأس کلیه ادارات دولتی دربار رأس کلیه زمامداران و مأموران دولتی شخص رضا شاه قرار دارد و اینها هستند که نظریات و به دستگاه دولتی و مأموران دیکته میکنند و آنها نسبت «بیمرضگی» میدهند. علت هر مرج بیسابقه ای که کشور را فرا گرفته و نایب عظیمی که دامنگیر زندگی روز مره مردم نه کارمندان دولت، بلکه نظام حکومتی امروزی در دیکتاتوری محض رضا شاه است که با ابداع مصطلح «فرماندهی شاهنشاهی» وضع عاری از کشور نموده، مانع از آن میشود که مردم کارو زندگی را اداره کنند. وقتیکه شاه حزب را بمعنی سربر دستناخیز، مبتنی بر اصل اطاعت کور کورانه، مجلس را جمعی مداح و یا مترسک زبان بریده، دولت را بقول خودبا اشاره چشم و ابرو، اداره می بچمن شهر حق اظهار نظر و مداخله در امور شهر و افراد خانواده سلطنتی و درباریان بدون هیچ تنفسی و صلاحیت اداری و فقط طبق منافع محدود که با منافع امپریالیسم پیوند مرگ و زندگی در پام تا شام بیخوان «کشورداری» در همه امور مداخله مینماید و نمیکندارد خبرگان امور صاحبان امروظایب و کارهای خود را مثل خجای دنیا اداره کنند، جز اختلال و هرج و مرج نتیجه بدست نمی آید. قطع آب نیز مانند همه وقایع آن یکی از نتایج نقص حقوق مردم است.

برای باز گرداندن وضع عاری بکشور باید مردم از چنگال رژیم دیکتاتوری بسر آورده بطوریکه دولت، مجلس، انجمنها، مطبوعات و اختیاری و فعالیت قانونی خود را بازیابند. یعنی باید دیکتاتوری که علاوه بر همه گناهان کبیره اش اختلال در زندگی روزانه مردم است برچیده حقوق و آزادیهای دموکراتیک مستقر گردد.

ع. گ. آ.